



کتابخانه ملی
کلیفہ - کتب خانہ
کلیفہ - کتب خانہ
9 جنوری 1945

Majmū'ah-i Nazm o Nāthr-i

Sūfiyah

- incomplete at beginning 11. l. p. p.
- 1a-Sar-Sūfi poem by Shāh Sadru-d-Dīn *
- 5a-42a Sūfi Risālah in old Dakhani - name not given - 11 l. p. p.
- 42a-50B Risālah-i Zubdatu-s-Sulūk (Persian - not in Catalogue)
- 50A-Risālah-i Tilāvat-u-l-Vujūd
- { attrib. to Khwājah M. Musayni (called) Bandahnavāz
- 58a) cf. Idārah-i Adabiyat-i Urdu, vol. 5, p. 280 where an identical title is attributed to Aftī Pīr.
- 58a-60A Pāñch Anāṣir - Pachis Gunah
- 60A-67a - ? Another short Risālah
- 67a-78a book with three names: Vāsiṇāmah, Dhikr-nāmah, & Vujūd-nāmah
- 78a-80a Dar Bayān-i Chahār Pīr
- 80a-81a Mulhannās
- Shah Burhān (Burhān-u-Dīn Jānām?)
- 81a-88a Risālah-i Savāl o Jarāb
- 88a-116A poetry by Ḥamīdullāh
- Ḥamīdullāh Shāh Chishtī? - Idārah-i Adabiyat-i Urdu
- Vol. 4 - p. 193-4
- 116a-126a Risālah min Taṣnīf-i Hazrat Pīrān-i Pīr
- 126a-127a " in Persian
- 127B Sūfi terms in chart form
- 128a-133B - Prayers & instructions in Persian & Arabic
- 133B-134a - Mukhammas in Urdu in praise of Sūfi saints
- 134B-135a - verses in Persian - Sūfi.
- Dated 25 Safar 1217
- For Sayyid Ahmad Sube-Jān(?)
- June 27, 1802
- By scribe Mir Qamar-u-Dīn

اول روز پنجشنبه و نیکاح رول بنام او این جمله دانستن بر تمام فرض است
گرتا پر بند که شریعت و طریقت و حقیقت و معرفت سرگاویند جولای گیتی شریعت
و جوهر است و طریقت دم است و حقیقت عقل است و معرفت روح است
شریعت خاک است و طریقت آب است و حقیقت بار است و معرفت
آتش است گرتا پر بند در وجود عزرائیل و میکائیل و سرافیل
و جبرئیل سرگاویند جولای گیتی و محضر جبرئیل بنان است و محضر میکائیل
دم است و محضر سرافیل عقل است و محضر عزرائیل چشم است
همه ملک پندوی شناسد گرتا پر بند خدا تعالی در شریعت سرگاویند
است بگو در شریعت حضرت محمد مصطفی و در طریقت محضر آدم
صفی الله در معرفت هر دو جمال آفرید است و حقیقت محضر ابراهیم
آفرید قال النبی صلی الله علیه وسلم الشریعة قوای و

و آنوقت کردم خدا را سجده که فلک صفات خدام بنده
 در مقام حرف بر لب مهر محاشا سخن یوسف پاکیزه دافه بلا بر زندان گردان
 سخن تا نیز بوند لب بسته دار گهر نشسته آهسته دار
 نام سخن بنمفت باشد چوب هنرش نهفته باشد
 صحت لایق باشد هر که خندد به محل کفش چون دندان نماید میکند از پای دور
 صحت بدکار طبع بد کند دیک سياه جاو سياه میکند
 غنیمت است که بیدار دوست برون شود که عمر همچون چراغ سفت در بچم بار
 بیا اید دوست با فم باش امروز که فضا فم کجا باشم کجا تو
 نیست خیر از یک ضم در بفر دیروزم یک شو آتش در دلت اختلاف شک
 خروشان از کجا کردیم یقین ند چو نبدان که عاجز متواند شد بحث گنج طونلا
 تمام است
 ۲۵ تاریخ پیرس سفر روز جمع آخر شود این کتاب در سال چهارم
 فی التحریر مریم قرادین
 سنه ۱۲۶۲ هجری